



## خطر نفوذ

# از دیدگاه استاد شهید مطهری

رضا محمدی فیروز جابی

### اشاره:

با بررسی دیدگاه‌های استاد شهید مرتضی مطهری در مورد موضوع نفوذ دشمنان در جبهه حق و به‌ویژه در انقلاب اسلامی می‌توان به طور کلی به چند مساله پرداخت. مساله اول، وجود پدیده مخوفی به نام استعمار است که همواره در صدد نفوذ در کشورهای مستقل است. مساله دوم، وجود خطر بزرگی به نام نفوذ است و مهم‌تر از آن راه‌های برخورد با این خطر است. مساله آخر نیز عبارت از اصول مهم در روابط بین‌الملل و نسبت آن با مساله نفوذ است که کوشیده‌ایم تا در این مقاله، به صورت گذرا به آن بپردازیم.

۲۲

ماهنامه فرهنگ‌پویا / شماره ۱۰

### «استعمار» و نقش آن در نفوذ

آیت‌الله مطهری با نگاهی تاریخی به استعمار، هر چند آن را مساله‌ای نوپدید می‌داند، اما از زمان پیدایش اسلام، این دین را سدا راهی در برابر این پدیده ذکر می‌کند: «در صدر اسلام، ما پدیده‌ای به نام استعمار به مفهومی که امروز وجود دارد نداشته‌ایم. این که ملتی ملت دیگر را در خدمت خودش قرار بدهد، بر مقدرات آن ملت حکومت کند، به جای آن ملت بر آن ملت سیاست براند و حکومت کند، به جای آن ملت از منابع اقتصادی او استفاده کند، فرهنگ خودش را با لطایف‌الحیل بر فکر و مغز آن مردم تحمیل کند، یک پدیده جدید است، مربوط به عصر جدید است و از عمرش سه چهار قرن پیش‌تر نمی‌گذرد که ملتی در حالی که خودش را آزاد می‌پندارد، به ظاهر هم خودش را آزاد و مستقل می‌بیند و همه چیز دارد، در باطن تحت قیمومت یک ملت دیگر است و آن ملت با دست‌های نامرئی خود دارد او را غارت می‌کند. این یک پدیده جدید است. ولی مبارزه با این پدیده جدید در کادر کلی اصولی اسلامی وجود دارد. اسلام که در صدر برنامه خودش مبارزه با ظلم و غارتگری را قرار داده است، وقتی که ظلم و غارتگری فرد را تحمل نمی‌کند به طریق اولی ظلم و غارتگری یک ملت را بر ملت دیگر تحمل نمی‌کند؛ چون اسلام

در تعلیماتش نشان داده است که برای حقوق جامعه حساسیت بیش‌تری از حقوق فرد قائل است.»

استاد شهید مطهری در تبیین معنا و مفهوم استعمار و استعمار، آن را نوع مدرن شده و جدید از بردگی در قدیم دانسته، می‌گوید: «مساله بردگی و مساله ارباب‌رعیتی امروز به شکل قدیم مطرح نیست که کسی بیاید رسماً خودش را به عنوان مالک و فرد دیگری را به عنوان مملوک بنامد، اما در سطح کشورها به شدت مطرح است.»<sup>۱</sup> بر همین اساس ایشان به روش استعمار در دنیای حاضر اشاره کرده، می‌گوید: «اگر ما الان به دنیا نگاه کنیم می‌بینیم بعضی کشورها آقا هستند، آقای و سیادت می‌کنند، فرمان می‌دهند و تصمیم می‌گیرند و بعضی کشورها با این که اسماً مستقل هستند ولی رسماً مستقل نیستند، یعنی برای این‌ها آن کشور دیگر تصمیم می‌گیرد و راه این‌ها را آن کشور دیگر معین می‌کند؛ اسمش هم این است که استقلال دارد.»<sup>۲</sup>

شهید مطهری به همین منظور اشاره صریحی به ردپای استعمار در ایران داشته، می‌گوید: «این امر را در کشور خودمان دیدیم و امروز خیلی روشن است. در مبارزات سیاسی موجود میان ابرقدرت‌ها، در خلیج و در دروازه هند کشمکش زیادی میان سیاست غرب و سیاست شرق هست. امریکا



پان عربیسم، پان ایرانیسم پان ترکیسم، پان هندوئیسم، و غیره در کشورهای اسلامی با وسوسه استعمار تبلیغ شد و همچنین سیاست تشدید نزاع‌های مذهبی شیعه و سنی و همچنین قطعه‌قطعه کردن سرزمین اسلامی به صورت کشورهای کوچک و قهرا رقیب همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه‌کن کننده استعمار یعنی اتحاد اسلام بوده و هست.<sup>۸</sup>

راه دوم استعمارگران، بیگانه کردن مسلمانان با فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. به اعتقاد استاد، «استعمار دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده است که فرهنگی که مردم مسلمان به آن تکیه می‌کنند و ایدئولوژی که به آن می‌نازند فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است. پس مردم از آن اعتقاد... و حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته‌شدن طبق الگوهای غربی گردند. برای بدبین کردن مردم به آن فرهنگ و آن ایدئولوژی و پیام‌آوران آن‌ها چه از این بهتر که به نسل جدید چنین وانمود شود که مردمی که شما می‌پندارید رسالت نجات و رهایی و رهبری شریعت به سعادت را داشتند و به این نام به کشورهای دیگر حمله می‌پردازند. خود به وحشی‌ترین کارها دست زده‌اند و این هم نمونه‌اش.»<sup>۹</sup> و راه سوم نیز عبارت است از تهاجم فرهنگی. شهید مطهری به این هدف استعمارگران برای نفوذ اشاره می‌کند و با اشاره به این مساله، رواج فساد را جزء نقشه‌های استعماری می‌داند: «غالباً در عصر ما این اغراض استعماری است. می‌خواهند فحشا در میان مردم زیاد شود؛ چراکه هیچ چیزی برای سست کردن مردانگی مردم به اندازه شیوع فحشا اثر ندارد. شما اگر بخواهید فکر جوانان یک مملکت را از مسائل جدی منصرف کنید، مسائل جدی که منافع استعمار را به خطر می‌اندازد راهش این است که هر چه دلتان می‌خواهد مشروب‌فروشی کنید کاباره زیاد کنید زن هر جایی...»<sup>۱۰</sup>

استاد شهید، نقشه استعمارگر بزرگ یعنی آمریکا را نیز همین مساله دانسته، می‌گوید: «آمریکایی‌ها یک برنامه عمومی برای فاسد کردن همه دنیا دارند. برنامه‌شان همین است: فحشا را زیاد کنید خیالتان دیگر از ناحیه مردم راحت باشد.»<sup>۱۱</sup>

### خطر بزرگی به نام نفوذ

پس از بیان خطر استعمار و استعمارزدگی، مناسب است تا به خطر بزرگ‌تری که توسط این پدیده مذموم متوجه کشورهای استعمار زده می‌شود اشاره کنیم. این خطر بزرگ‌تر چیزی نیست جز خطر نفوذ. استاد شهید مطهری در تبیین ابعاد این خطر بزرگ، به بحث نفوذ اندیشه‌های بیگانه در جامعه اشاره کرده، می‌گوید: «اندیشه‌های بیگانه از دو طریق نفوذ می‌کند؛ یکی از طریق دشمنان و آن هنگامی است که نهضت، اوج گرفته و جاذبه پیدا کرده است و مکتب‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده است. در این هنگام، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه‌کردن در

می‌خواهد در این جا قدرتی داشته باشد که خلیج را حفظ کند. این‌ها نمی‌گویند ما نوکر و ژاندارمی به نام شاه ایران داریم، به ظاهر این است که ایران می‌خواهد امنیت خودش را حفظ کند. آن وقت چه کار می‌کنند؟ از پول ایران نفت ایران را با یک میزان خیلی بالا و در یک سطح خیلی وسیع استخراج می‌کنند که در حقیقت غارت نفت است. از این نفت به طور ظالمانه‌ای مقداری را به خود ایران می‌دهند، باقی‌اش را خودشان می‌برند. آن مقداری هم که به خود ایران می‌دهند به این صورت است که آن را می‌خرند و به جای پولش اسلحه مدرن به ایران می‌دهند که با آن اسلحه ایران منافع آن‌ها را حفظ کند. دیگر بردگی از این بالاتر نمی‌شود!»<sup>۴</sup>

ایشان با این مقدمه به تعریفی کوتاه اما جامع از استعمارزدگی پرداخته و می‌گوید: «این به معنای این است که استقلال نداریم، برده هستیم، محکوم و تابع اراده دیگران هستیم. نقطه مقابل آن استقلال سیاسی است.»<sup>۵</sup>

آیت‌الله مطهری یکی دیگر از نشانه استعمارزدگی را وابستگی اقتصادی می‌داند و با شرح غمبار این نوع از وابستگی در زمان حکومت ستمشاهی به این نکته اشاره می‌کند که: «ما دیدیم ایران محکوم بود که کشاورزی خودش را تقلیل بدهد برای این که از آن‌جا (کشورهای خارجی) گندم یا شکر وارد کند. محکوم بود به این که دامداری خودش را تقلیل بدهد. مرتع‌های مختلف را تملک می‌کردند تحت این عنوان که این‌جا شکارگاه است، آن‌جا منطقه ممنوعه است و... محکوم بود به این که دامداری را تقلیل بدهد برای این که گوشت‌های دیگران را از جاهای دیگر وارد کند... گاهی گفتند نود درصد، گاهی گفتند نود و پنج درصد مواد غذایی این کشور از خارج وارد می‌شود. دیدیم از سیخ تا سوزن باید از خارج وارد شود. این، بردگی و اسارت و اقتصاد وابسته بود.»<sup>۶</sup> در واقع می‌توان نتیجه گرفت که استاد شهید، معنای استعمارشدن را در قالب مفاهیمی نظیر بردگی، عدم استقلال، وابستگی و بی‌اراده بودن جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب خطر استعمارزدگی را گوشزد می‌کند.

از دیدگاه شهید مطهری، استعمار برای سیطره و نفوذ بر کشورهای دیگر به سه راه مودیان‌ه روی می‌آورد. راه اول عبارت است از ایجاد اختلاف و تفرقه: «استعمار برای این که اصل "تفرقه بینداز و حکومت کن" را اجرا کند راهی از این بهتر ندید که اقوام و ملل اسلامی را متوجه قومیت و ملیت و نژادشان بکند و آن‌ها را سرگرم اختراعات موهوم نماید. به هندی بگوید تو سابقه‌ات چنین است و چنان. به ترک بگوید نهضت جوانان ترک را ایجاد کن.»<sup>۷</sup> بر همین اساس با تلاش استعمار، «رواج اندیشه قومیت‌پرستی و ملیت‌پرستی و به اصطلاح ناسیونالیسم که به صورت‌های

استاد شهید مطهری در تبیین معنا و مفهوم استعمار و استثمار، آن را نوع مدرن‌شده و جدید از بردگی در قدیم دانسته، می‌گوید: «مساله بردگی و مساله ارباب‌رعیتی امروز به شکل قدیم مطرح نیست که کسی بیاید رسماً خودش را به عنوان مالک و فرد دیگری را به عنوان مملوک بنامد، اما در سطح کشورها به شدت مطرح است.»



است. این پرسش را مطرح می‌کند که «چرا قرآن کریم میان انفاق و جهاد قبل از فتح مکه و انفاق و جهاد بعد از فتح مکه و در حقیقت میان مؤمن منفق مجاهد قبل از فتح و مؤمن منفق مجاهد بعد از فتح فرق می‌گذارد؟» و خود بلافاصله جواب می‌دهد که «سر مطلب واضح است. پیش از فتح مکه هر چه بود دشواری و تحمل مشقت بود، ایمان‌ها خالص‌تر و انفاق‌ها و جهادها بی‌شائبه‌تر و از روحیه فرصت‌طلبی دورتر بود، برخلاف انفاق و جهاد بعد از فتح که در آن حد از بی‌شائبگی نبود.»<sup>۱۸</sup> استاد مطهری این‌گونه نتیجه می‌گیرد که: «به هر حال مبارزه با رخنه و نفوذ فرصت‌طلبان علی‌رغم تظاهرات فریبنده‌شان یکی از شرایط اصلی ادامه یک نهضت در مسیر اصلی است.»<sup>۱۹</sup> دقیقاً به همین دلیل است که ایشان نسبت به خطر نفوذ این‌گونه از نفوذی‌ها هشدار داده، می‌گوید: «دست‌هایی در کار است تا اوضاع را به حال سابق بازگرداند.»<sup>۲۰</sup> این افراد چه کسانی هستند؟ به اعتقاد شهید مطهری این افراد کسانی هستند که «می‌خواهند مانند نهضت مشروطیت و نهضت استقلال عراق و نهضت ملی ایران، پس از آن که با قدرت روحانیت مرحله اول، یعنی براندازی رژیم را گذرانند، روحانیون را کنار بزنند و بدنام کنند و خود زمام امور را دست بگیرند.»<sup>۲۱</sup> ایشان همچنین خطر نفوذ التقاطیون را نیز متذکر شده، خاطرنشان می‌کند: «هر نهضت اجتماعی باید پشتوانه‌ای از نهضت فکری و فرهنگی داشته باشد، وگرنه در دام جریان‌هایی قرار می‌گیرد که از سرمایه‌هایی برخوردارند و جذب آن‌ها می‌شود و تغییر مسیر می‌دهد. هر پشتوانه فرهنگی اسلامی که بخواهد پشتوانه نهضت اجتماعی واقع شود، باید از متن فرهنگ کهن ما نشأت بگیرد و تغذیه گردد، نه از فرهنگ‌های دیگر. این‌که ما از فرهنگ‌های دیگر مثلاً از فرهنگ مارکسیستی یا از اکزیستانسیالیستی و امثال این‌ها قسمت‌هایی را التقاط کنیم و روکنسی از اسلام بر روی آن‌ها بکشیم، برای این‌که نهضت ما را در مسیر اسلامی هدایت کند، کافی نیست. ما باید فلسفه اخلاق، فلسفه سیاسی، فلسفه تاریخ، فلسفه اقتصادی، فلسفه دین، و فلسفه الهی خود را که از متن تعلیمات اسلام الهام می‌گیرد، تدوین کنیم و در اختیار افراد خودمان قرار دهیم.»<sup>۲۲</sup>

### راه‌های مقابله با خطر نفوذ

تا به این‌جا از خطر نفوذ سخن گفتیم، اکنون باید دید که از دیدگاه استاد مطهری راه‌های مقابله با این خطر چیست. با نگاهی به آرا و اندیشه‌های استاد مطهری، می‌توان سه راه را برای مقابله با نفوذ مورد ارزیابی قرار داد:

#### ۱. بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام:

از نگاه استاد، یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با نفوذ دشمنان، بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام است. ایشان در این باره می‌گوید: «قوی‌ترین حربه دفاعی این انقلاب و مؤثرترین اسلحه پیشرفت آن، ایمان ملت به نیروی خویش و بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام است. غرب منظور تمام ابرقدرت‌ها است - از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است. اگر شرق بیدار شود و خود اسلامی خود را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، این توده به پا خاسته بر نخواهد آمد. راه این بیداری، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی خودمان است... اگر ملت ما با فرهنگ اصیل خود قطع ارتباط نکرده بود، محال بود این چنین زیر بار سلطه ابرقدرت‌ها برود. تمام تلاش کشورهای استعمارگر در بریدن و پاره کردن بندهای وابستگی فرهنگی یک ملت به میراث‌های فرهنگی خویش است.»<sup>۲۳</sup>

ایشان همچنین خاطر نشان می‌کند: «پیروزی نهضت ما در آینده بستگی

آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه‌ای را که با روح آن مکتب مغایر است، وارد آن مکتب می‌کنند و آن را به این ترتیب از اثر و خاصیت می‌اندازند و یا کم‌اثر می‌کنند. راه دیگر نفوذ از طریق دوستان و پیروان می‌باشد و آن هنگامی است که پیروان خود مکتب، به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظریات و اندیشه‌های بیگانه می‌شوند و آگاهانه یا ناآگاهانه آن نظریات را رنگ مکتب می‌دهند و عرضه می‌نمایند.»<sup>۲۴</sup> شهید مطهری به عنوان یک فرد مسؤول به مسؤولیت الهی، به رهبران عظیم‌الشان نهضت‌های اسلامی هشدار داده، اتمام حجت می‌کند که «نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مزارک اسلامی اعم از آن‌که از روی سوءنیت و یا عدم سوءنیت صورت گیرد خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند.»<sup>۲۵</sup> استاد شهید همچنین به خطر رخنه فرصت‌طلبان اشاره کرده، آن را از آفت‌های بزرگ هر نهضت می‌داند و وظیفه بزرگ رهبران را بستن راه نفوذ و رخنه این‌گونه افراد ذکر می‌کند.<sup>۲۶</sup>

شهید مطهری، افراد فرصت‌طلب را کسانی می‌داند که به اصطلاح «حاضری‌خور» بوده و درصدد بهره برداری از تلاش‌های دیگران هستند: «هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند سنگینی‌اش بر دوش افراد مؤمن مخلص فداکار است، اما همین که به بار نشست و یا لاقط نشانه‌های بار دادن آشکار گشت و شکوفه‌های درخت هویدا شد، سر و کله افراد فرصت‌طلب پیدا می‌شود. روز به روز که از دشواری‌ها کاسته می‌شود و موعد چیدن ثمر نزدیک‌تر می‌گردد، فرصت‌طلبان محکم‌تر و پرشورتر پای علم نهضت سینه می‌زنند، تا آن‌جا که تدریجاً انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به‌در می‌کنند. این جریان تا آن‌جا کلیت پیدا کرده که می‌گویند: «انقلاب فرزندخور است.» گویی خاصیت انقلاب این است که همین که به نتیجه رسید فرزندان خود را یک‌یک نابود سازد. ولی انقلاب فرزندخور نیست، غفلت از نفوذ و رخنه فرصت‌طلبان است که فاجعه به بار می‌آورد.»<sup>۲۷</sup> ایشان در تبیین این مساله به دو شاهد مثال تاریخی روی می‌آورد: یکی تاریخ معاصر و دیگری تاریخ صدر اسلام. در تاریخ معاصر، انقلاب مشروطیت ایران را مثال می‌زند که آن را «... چه کسانی به ثمر رساندند؟ و پس از به ثمر رسانیدن، چه چهره‌هایی پست‌ها و مقامات را اشغال کردند؟ و نتیجه نهایی چه شد؟ سردار ملی‌ها و سالار ملی‌ها و سایر قهرمانان آزادیخواه، همه به گوشه‌ای پرتاب شدند و به فراموشی سپرده شدند و عاقبت با گرسنگی و در گمنامی مردند، اما فلان‌الدوله‌ها که تا دیروز زیر پرچم استبداد با انقلابیون می‌جنگیدند و طناب به گردن مشروطه‌چیان می‌انداختند، به مقام صدارت عظمی رسیدند و نتیجه نهایی، استبدادی شد به صورت مشروطیت.»<sup>۲۸</sup>

در مورد تاریخ صدر اسلام نیز دوره عثمان را مثال می‌زند که «فرصت‌طلبان جای شخصیت‌های مؤمن به اسلام و اهداف اسلامی را گرفتند، طریدها وزیر شدند و کعب‌الاجبارها مشاور، و اما ابوذرها و عمارها به تبعیدگاه فرستاده شدند و یا در زیر لگد مچاله شدند.»<sup>۲۹</sup>

شهید مطهری با استناد به آیه دهم سوره مبارکه حدید که می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ أُولَئِكَ أَطْعَمُوا دَرَجَاتٍ مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدٍ وَقَاتِلُوا وَلَا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» - آنان که پیش از فتح، انفاق و جهاد کردند (با دیگران) همانند نیستند. آنان از نظر درجه بزرگ‌ترند از کسانی که بعد از فتح انفاق و جهاد کردند و خداوند به همه وعده نیکی داده و خداوند به آن‌چه می‌کنید آگاه



**حوزه‌های علمیه ما که امروز این چنین شور و هیجان فعالیت اجتماعی یافته‌اند، باید به مسؤلیت عظیم علمی و فکری خود آگاه گردند. باید کارهای علمی و فکری خود را ده برابر کنند، باید بدانند که اشتغال منحصر به فقه و اصول رسمی جوابگوی مشکلات نسل معاصر نیست.**



استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم.<sup>۳۷</sup>

از دیدگاه این شهید بزرگوار، آینده انقلاب اسلامی از طریق استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فکری و مکتبی بیمه خواهد شد.

در این میان اما بیش‌ترین تأکید شهید مطهری بر استقلال فکری و فرهنگی است. این نگاه ایشان منبعث از این قضیه است که از تضعیف جهان‌بینی اسلامی و تقویت جهان‌بینی غربی نگرانی داشته و همین مساله را موجب نفوذ فرهنگ غربی و در نهایت سلطه آن بر جهان اسلام می‌داند. بر همین اساس ایشان معتقد است که «ما باید نشان بدهیم

جهان‌بینی اسلامی، نه با جهان‌بینی غرب منطبق است و نه با جهان‌بینی شرق و به هیچ‌کدامشان وابسته و محتاج نیست. این چه بیماری است که حتی جهان‌بینی اسلامی را می‌خواهند با جهان‌بینی‌های بیگانه تطبیق

بدهند.»<sup>۳۸</sup> شهید مطهری این نگرانی را چنین تشریح می‌کند: «بعضی‌ها، به آیات قرآن که می‌رسند آن قدر آن‌ها را تاویل و توجیه می‌کنند تا این‌که به هر ترتیبی شده آن را با یکی از مکاتب غربی یا شرقی منطبق کنند. این نکته را قبلاً هم مکرر گفته‌ام که بعضی‌ها، تا اسم ملک و

فرشته می‌آید، تلاش می‌کنند به طریقی آن را تعبیر و تفسیر کنند. من صریحاً می‌گویم که این روش خطاست. اگر شما هنوز به درک این مفاهیم قرآنی نائل نشده‌اید، باید کوشش و مجاهده کنید تا آن را دریابید.

شما چه بخواهید چه نخواهید، در قرآن ده‌ها معجزه ذکر شده است، این‌ها از مفاخر قرآن است. اگر این مسائل نبود اصلاً دین نیمی از رسالت خودش را از دست داده بود. دین آمده است تا دید ما را وسیع کند. امر حسی که

نیازی به آمدن پیامبران ندارد. دین آمده است ایمان به غیب برای ما ایجاد کند. دین می‌خواهد ارزش انسان را تا آن‌جا بالا ببرد که بتواند از قوانین معنوی استفاده بکند و حتی آن را بر ضد قوانین مادی به کار اندازد، قوانین مافوق‌مادی آن‌گاه که در قوانین مادی دخل و تصرف بکنند، نام

معجزه بر آن می‌گذاریم. در قرآن تا دلناتن بخواهد معجزه ذکر شده است. من نمی‌دانم گویا عده‌ای رودر بایستی دارند، تا در قرآن به معجزه می‌رسند شروع می‌کنند به تاویل و تعبیر کردن. تا می‌رسند به شکافتن دریا برای موسی، می‌گویند مقصود این است که در آن موقع دریا در حالت جذر بوده، و در زمان غرق شدن فرعون دریا حالت مد پیدا کرده است. اگر

عصای موسی ازدها شد، مقصود این است که قدرت منطبق و قوه بیان موسی، بر سلاح تبلیغ آن‌ها غلبه کرد و چون ازدها، منطبق‌های آنان را بلعید. معنای چنین سخنانی انکار صریح قرآن است.»<sup>۳۹</sup> شهید مطهری با توضیح این مساله نتیجه می‌گیرد که «معنایش این است که ما استقلال

به ایمان به خود و احیای ارزش‌های اصیل اسلامی دارد اگر راه خود را بر اساس معیارهای اسلامی دنبال کنیم و مقاصد و معایب را تنها بر اساس ضوابط اسلامی از میان برداریم و صبر و تقوای اسلامی داشته باشیم و روحیه جهاد و امر به معروف و نهی از منکر اسلامی در ما زنده باشد، در آن صورت پیروزی ما قطعی خواهد بود... امروز مسلمانان در هر کجای جهان، باید این حقیقت را درک کنند که تنها اتکاء به نیروی خود آن‌ها و اعتقاد به عنایت و حمایت الهی است که رهایی از قید و بند استثمار را ممکن می‌سازد.»<sup>۴۰</sup>

#### ۲. تبیین منطقی مکتب اسلام

شهید مطهری راه دیگر مقابله با نفوذ دشمنان را تبیین درست مکتب اسلام می‌داند که وظیفه حوزه‌های علمیه در این زمینه بسیار سنگین است: «راه مبارزه، عرضه صحیح این مکتب در همه زمینه‌ها با زبان روز است. حوزه‌های علمیه ما که امروز این چنین شور و هیجان فعالیت

اجتماعی یافته‌اند، باید به مسؤلیت عظیم علمی و فکری خود آگاه گردند. باید کارهای علمی و فکری خود را ده برابر کنند، باید بدانند که اشتغال منحصر به فقه و اصول رسمی جوابگوی مشکلات نسل معاصر نیست.»<sup>۴۱</sup>

به اعتقاد ایشان، «انقلاب ما آن وقت پیروز خواهد شد که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است، به دنیا معرفی کنیم؛ یعنی اگر ما استقلال مکتبی داشته باشیم و مکتبمان را بدون

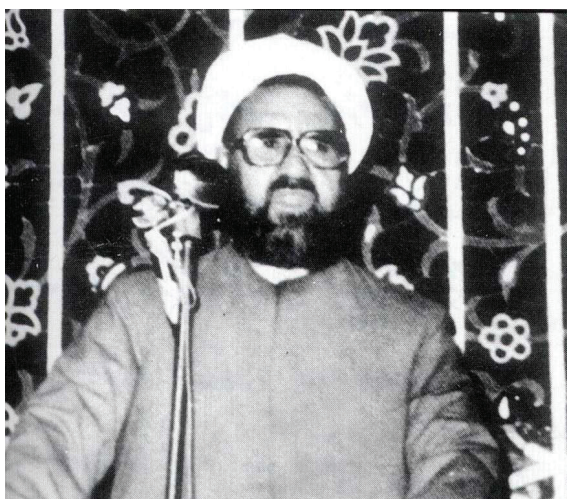
خجلت و شرمندگی آن چنان که واقعا هست به جهانیان عرضه کنیم، می‌توانیم امید پیروزی داشته باشیم، اما اگر قرار شود به اسم اسلام یک مکتب التقاطی درست شود و روشمان این باشد که از هر جایی چیزی

اخذ کنیم، یک چیزی از مارکسیسم بگیریم، یک چیز از اگزیستانسیالیسم بگیریم و چیز دیگری از سوسیالیسم بگیریم و از اسلام هم چیزهایی داخل کنیم و از مجموع این‌ها معجونی درست کنیم و بگوییم این است اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند؛ زیرا که در کوتاه‌مدت شاید بشود حقیقت را پنهان کرد، ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند.»<sup>۴۲</sup>

#### ۳. حفظ استقلال

سومین راهی که از دیدگاه استاد شهید مطهری برای مقابله با نفوذ متصور است، مساله استقلال می‌باشد. این مساله در اندیشه استاد جایگاه ویژه‌ای دارد و درباره آن سخنان بسیاری نیز گفته است. شهید مطهری با تأکید

بر این نکته که «من بر روی مساله استقلال، و بالاخص استقلال مکتبی زیاد تکیه دارم»، به این نکته تصریح می‌کند که «ما اگر مکتب مستقل خودمان را ارائه نکنیم، حتی با این‌که رژیم را ساقط کرده‌ایم و حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را به دست آوریم، اگر به



آن جا فکر می‌کنیم؟<sup>۳۳</sup> ایشان پس از ذکر این خاطره نتیجه می‌گیرد که «چه شعار خوبی می‌دادند: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی». این که یک ملت بخواهد مستقل باشد ارزش کمی نیست. استقلال سیاسی یعنی از نظر سیاسی خودش برای خودش تصمیم بگیرد. استقلال اقتصادی یعنی از نظر اقتصادی خودش برای خودش برنامه بدهد و طرح‌ریزی کند، آقا بالاسر نداشته باشد، پدربزرگ و مادر بزرگ نداشته باشد، و از همه این‌ها بالاتر استقلال فرهنگی، استقلال فکری، استقلال مکتبی.»<sup>۳۴</sup>

شهید مطهری پیروزی واقعی انقلاب اسلامی ایران را زمانی می‌داند که ما مکتب و ایدئولوژی خودمان را که همان اسلام خالص و بدون شائبه است، به دنیامعرفی کنیم. اما اگر قرار شود به اسم اسلام یک مکتب التقاطی درست شود و روشمان این باشد که از هر جایی چیزی اخذ کنیم، یک چیزی از مارکسیسم بگیریم، یک چیز از اگزیستانسیالیسم بگیریم و چیز دیگری از سوسیالیسم بگیریم و از اسلام هم چیزهایی داخل کنیم و از مجموع این‌ها معجونی درست کنیم و بگوییم این است اسلام، موجب گریز شدید مردم از اسلام خواهد شد. بر همین اساس هشدار می‌دهد که «من در این جا هشدار می‌دهم، ما با گرایش به مکتب‌های بیگانه استقلال مکتبی خودمان را از دست می‌دهیم. حال می‌خواهد آن مکتب کمونیزم باشد یا اگزیستانسیالیسم یا یک مکتب التقاطی. با این شیوه‌ها و با این طرز تفکر به استقلال فرهنگی نخواهیم رسید و به ناچار محکوم به فنا خواهیم بود.»<sup>۳۵</sup>

در فکر نداریم، معنایش این است که ما قرآن را پیشوا قرار نداده‌ایم، بنا را بر این گذاشته‌ایم که مکتب‌های دیگر را بپذیریم و بعد آیات قرآن را براساس آن‌ها توجیه و تفسیر کنیم.»<sup>۳۶</sup>

این مساله از نگاه استاد شهید مطهری بدین معناست که انسان خودآگاه و یا ناخودآگاه در خدمت استعمار قرار گرفته و راه نفوذ دشمنان را هموار می‌سازد: «من به عنوان نصیحت می‌گویم، کسانی که این چنین فکر می‌کنند یعنی می‌خواهند مکتب اسلام را با مکتب دیگر تطبیق دهند و یا عناصری از آن مکتب را در اسلام وارد کنند، چه بدانند و چه ندانند، در خدمت استعمار هستند. خدمت این‌ها به استعمار، از خدمت آن‌ها که عامل استعمار سیاسی یا عامل استعمار اقتصادی هستند، به مراتب بیش‌تر است و به همین سبب خیانتشان به ملت بیش‌تر و عظیم‌تر. از این‌رو و با توجه به این خطرات برای حفظ انقلاب اسلامی در آینده، از جمله اساسی‌ترین مسائلی که می‌باید مدنظر داشته باشیم، حفظ استقلال مکتبی و ایدئولوژیک خودمان است.»<sup>۳۷</sup>

آیت الله مطهری با ذکر خاطره‌ای از آیت‌الله امینی (صاحب‌الغدیر) این مساله را از زوایای دیگر مورد ارزیابی و کنکاش قرار می‌دهد: «مرحوم آیت‌الله امینی صاحب‌الغدیر (خدا رحمتش کند ان‌شاءالله) در جلسه‌ای می‌گفت زمانی یکی از نمایندگان مجلس عراق که شیعه و با من مربوط بود به نجف پیش من آمده بود (مرحوم آقای امینی آدم شجاع صریح رکی بود)، به او گفتم شما و کلا و نمایندگان مجلس این علم لدنی را از کجا آورده‌اید؟ ما در کار علمی خودمان هر مساله‌ای که برایمان پیش بیاید باید روی آن فکر کنیم، مطالعه کنیم، به کتاب مراجعه کنیم تا نظر بدهیم. مسائل مهم سیاسی پیش می‌آید، لایحه‌های مهم سیاسی اقتصادی در مجلس می‌آید، بعد می‌بینیم دو سه ساعت طول می‌کشد، نطق‌هایی می‌شود و بعد به طور قطع تصویب شد یا به طور قطع رد شد. این علم‌ها را شما از کجا آورده‌اید؟! ایشان می‌گفت وقتی من این را به او گفتم قهقهه خندید و گفت شما نمی‌دانید چگونه است (دوره نوری سعید بود، دوره بعدش هم که مجلسی در عراق نبوده)، ما وقتی صبح می‌رویم در مجلس، خودمان نمی‌دانیم اصلا چه قرار است مطرح شود، نماینده نوری سعید می‌آید به یک نفر می‌گوید قُلْ نَعَمْ (تو بگو بله) به یکی می‌گوید قُلْ لَا (تو بگو نه)، ما دو صف می‌شویم، یک عده ما می‌دانیم درباره لایحه‌ای که امروز می‌آید ما باید بگوییم بله، روی آن سخنرانی هم بکنیم داد سخن هم بدهیم. یک عده دیگر هم می‌دانند امروز لایحه‌ای می‌آید که وظیفه آن‌ها «نه» گفتن است و باید داد بکشند، سخنرانی کنند، عصبانی شوند و روی میز بکوبند. وقتی که لایحه آمد تازه ما از مضمونش آگاه می‌شویم. ما رُل «نعم» را بازی می‌کنیم و آن‌ها رُل «لا». مگر ما

.... قرآن می‌گوید: افراد مسلمان با مسلمانان دیگر مانند اعضای یک پیکر هستند و با غیر مسلمان‌ها مانند اعضای دو پیکر. مقصود این نیست که همیشه به غیر مسلمانان بدی کنیم؛ وقتی آن‌ها خطری برای جامعه اسلامی ندارند نباید نسبت به آن‌ها بدی کرد ولی همیشه خطر آن‌ها را در نظر داشته باشید.



## روابط بین الملل و مساله نفوذ

موضوع مهم دیگری که در مساله نفوذ باید مد نظر قرار گیرد، بحث رابطه با سایر کشورها و نسبت آن با جریان نفوذ است. شهید مطهری معتقد است که داشتن رابطه با سایر کشورها در صورتی که با مصالح ما منافاتی نداشته باشد، مانعی وجود ندارد: «... در روابط، احتیاج به یک ضابطه‌هایی داریم؛ آن ضابطه‌ها تعیین کننده این است که در چه حدودی روابط یک مسلمان با یک غیرمسلمان هیچ تفاوتی نسبت به روابط یک مسلمان با مسلمان دیگر ندارد. خیلی واضح است، تا حدودی که تأثیر مثبت یا منفی در مورد دین اسلام ندارد. مثلاً آیا برای من جایز است یا برای جامعه اسلامی صحیح است که با فلان کشور مسیحی یا یهودی یا فلان کشوری که مرام اصالت ماده را قائل است روابط برقرار کند، خرید و فروش کند؟ جواب این است که بستگی دارد به مصالح دنیای اسلام. اگر فلان کشور مسیحی مرام سازش با کشور اسلامی دارد و در حال جنگ با جامعه اسلامی نیست و بین دو کشور اسلامی و مسیحی احترام متقابل برقرار است، روابط ایجاد کردن مانعی ندارد، تا آنجا که کوچک‌ترین خطری برای اسلام و جامعه اسلامی نداشته باشد.»<sup>۳۵</sup> اما این دلیل نمی‌شود تا نسبت به خطر احتمالی سایر کشورها به‌ویژه کشورهای استکباری غفلت کنیم. شهید مطهری در این مورد به برخی از آیات سوره ممتحنه اشاره کرده، می‌گوید: «... قرآن می‌گوید: افراد مسلمان با مسلمانان دیگر مانند اعضای یک پیکر هستند و با غیر مسلمان‌ها مانند اعضای دو پیکر. مقصود این نیست که همیشه به غیرمسلمانان بدی کنیم؛ وقتی آن‌ها خطری برای جامعه اسلامی ندارند نباید نسبت به آن‌ها بدی کرد ولی همیشه خطر آن‌ها را در نظر داشته باشید.» در واقع استاد مطهری بر این نکته تأکید دارد که در روابط بین‌الملل باید در کنار داشتن رابطه با سایر کشورها مراقب نفوذ نفوذی‌ها هم بود.

ایشان با اشاره به آیه اول این سوره که می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فَيَسْئَلُكُمْ أُولَئِكَ مِنْكُمْ وَإِنَّكُمْ عَلَىٰ سَبِيلٍ مُّبِينٍ وَأُولَئِكَ يَتَّخِذُونَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِكُمْ فَأُولَئِكَ لِيُضِلَّكُمْ وَهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۳۶</sup>، داشتن رابطه دوستانه با دشمنان را موجب نفوذ و در نهایت سیطره آنان بر خود دانسته، می‌گوید: «قرآن می‌گوید: ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان (دشمنان من‌اند یعنی دشمن دین هستند و دشمنان شمایند یعنی دشمن سعادت شما هستند) با این‌ها نرد مودت می‌بازید و حال این که آن‌ها کافرنند و دشمنان ایدئولوژی شما هستند؟! با دشمنان خود روابط دوستانه برقرار می‌کنید؟! همین‌ها که پیغمبر و شما را به جرم و گناه ایده‌تان از شهرهایتان بیرون کردند، آن وقت با چنین مردمی معاشرت می‌کنید؟! لاقبل می‌خواستند شما را در ایده‌تان آزاد بگذارند. شما چگونه در مدینه می‌توانید با این‌ها رابطه دوستی برقرار کنید، مخفیانه با آن‌ها دوست باشید؟! آیا نمی‌دانید من که خدای شما هستم به همه چیز آگاهم؟ و کسی که چنین کند از شاهراه دور افتاده است. این‌ها اگر امروز با شما دوستی می‌کنند در مقابل شما نقطه ضعف دارند، اگر روزی قدرت پیدا کنند و شما را ببینند، دشمن شما خواهند بود. آن وقت است که زبان و دستشان را به سوی شما دراز می‌کنند و تمام هدفشان این است که شما را از دینتان خارج کنند.»<sup>۳۶</sup>

از دید شهید مطهری، اصل مهم در داشتن رابطه با دیگران، حفظ دین

وایمان است و اگر این مساله محقق نشود، داشتن روابط با دیگران نیز هیچ ارزشی نخواهد داشت. ایشان برای تبیین این موضوع، به دو مثال تاریخی روی می‌آورد؛ یکی عبارت است از روابط کمونیسم و امپریالیسم و دیگری؛ قطع رابطه ابراهیم پیامبر با شخصی که او را پدر می‌خواند: «قرآن می‌گوید که این را از ابراهیم و پیروان او یاد بگیرید که در مقابل اقوام خودشان ایستادند و گفتند: از همه شما و معبودهای شما دوری می‌جویم و بین ما و شما برای همیشه دشمنی است مگر این که ایمان بیاورید. جز ایمان هیچ چیز دیگری نمی‌تواند روابط ما را با یکدیگر نزدیک کند. کمونیسم، اول می‌گفت با امپریالیسم هرگز نمی‌تواند روابط حسنه برقرار کند، ولی بعد مساله صلح کل و سودجویی مساله را تغییر داد و روابط کمونیسم و امپریالیسم با هم خوب شد. ابراهیم اول وعده و قول پدر را دایر بر این که استغفار کند، به امید این که او ایمان بیاورد قبول کرد ولی وقتی که فهمید فایده ندارد و پدر ایمان نمی‌آورد از پدرش هم تبری جست.»<sup>۳۷</sup>

### پی‌نوشت‌ها

۱. مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۱۱۱.
۲. همان، ص ۲۲۸.
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان.
۶. همان، صص ۲۳۸-۲۳۹.
۷. مجموعه آثار ج ۲۶، ص ۵۵.
۸. نهضت‌های صدساله اخیر، ص ۳۱.
۹. شش مقاله، ص ۲۶۷.
۱۰. آشنایی با قرآن، ج ۴، ص ۵۳.
۱۱. همان، ص ۵۴.
۱۲. بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۸۳-۸۴.
۱۳. همان، ص ۸۵.
۱۴. همان، ص ۸۸.
۱۵. همان.
۱۶. همان، صص ۸۸-۸۹.
۱۷. همان، ص ۸۹.
۱۸. همان، صص ۸۹-۹۰.
۱۹. همان، ص ۹۰.
۲۰. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۲۱.
۲۱. همان.
۲۲. بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۷۲.
۲۳. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۲۲.
۲۴. همان، صص ۱۲۴-۱۲۳.
۲۵. پیرامون جمهوری اسلامی، صص ۹۲ و ۹۳.
۲۶. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۶۵.
۲۷. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۶۴.
۲۸. همان.
۲۹. همان، صص ۱۶۵-۱۶۴.
۳۰. همان، ص ۱۶۵.
۳۱. همان.
۳۲. همان.
۳۳. مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۲۴۰.
۳۴. پیرامون انقلاب اسلامی، صص ۱۶۳-۱۶۲.
۳۵. مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۵۴۵.
۳۶. همان، صص ۵۴۸-۵۴۹.
۳۷. همان، ص ۵۵۰.